

فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ ایران اسلامی

سال اول - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۹-۹۹

جایگاه مباحث روش تحقیق و روش‌شناسی تاریخی در برنامه‌های آموزشی دوره
کارشناسی رشته تاریخ*

علیرضا ملائی توانی^۱

چکیده

رشد و گسترش مباحث روش‌شناسانه در هر علمی، نشانگر بلوغ آن علم و آغاز تفکر انتقادی و روشمند درباره آن است. ارزیابی چگونگی پرداختن به مباحث روش‌شناسی تاریخی در برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ، از زمان راه‌اندازی آن در دانشگاه‌های ایران تا امروز یکی از معیارهای مهم رشد و بلوغ این دانش است و می‌تواند گفتمان حاکم بر برنامه‌های آموزشی را ترسیم کند. حال مسأله این است که از چه زمانی و تحت تأثیر چه مسائلی پرداختن به مباحث روش‌شناسانه در برنامه‌های آموزشی دوره کارشناسی رشته تاریخ مورد توجه قرار گرفت، رویکرد اصلی در پرداختن به این مقوله‌ها چه بود و این مباحث در دوره‌های مختلف به چه نوع تغییراتی تن داده است؟

این مقاله با رویکرد تحلیل محتوا می‌کوشد مفاهیم و مباحث مطرح‌شده در حوزه روش‌شناسی تاریخی و نوع رهیافت برنامه‌های آموزشی تاریخ به آن مباحث را به بحث بگذارد. مقاله سرانجام به این نتیجه می‌رسد که هرچند در روند برنامه‌ریزی آموزشی رشته تاریخ به‌ویژه پس از استقلال آن از جغرافیا تا امروز نگاه به مبحث روش تحقیق و روش‌شناسی تاریخی، نگاهی پویا، پرتحول و رو به رشد بوده، اما ورود این مباحث بسیار کند و با تأخیر صورت گرفته است. در نتیجه، جهت‌گیری کلان برنامه آموزشی رشته تاریخ اساساً پژوهشی نیست و این مباحث همواره در حاشیه درس‌های تاریخی قرار داشته‌اند.

واژگان کلیدی:

روش تحقیق، روش‌شناسی تاریخی، شهادت‌نامه، پایان‌نامه، برنامه‌های آموزشی.

^۱ - دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی : mollaiynet@yahoo.com

*- تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۳ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

مقدمه

می‌دانیم از بدو راه‌اندازی رشته تاریخ تا امروز، چندین برنامه تدوین و اجرا شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: نخست، دوره رشته «تاریخ و جغرافی» در دارالمعلمین و سپس در دانشگاه تهران از ۱۲۹۸ تا ۱۳۴۲ ش؛ دوم، دوره تأسیس رشته مستقل تاریخ در سال تحصیلی ۱۳۴۲-۱۳۴۳؛ سوم، برنامه آموزشی رشته تاریخ مصوب سال تحصیلی ۱۳۵۲-۱۳۵۳؛ چهارم، برنامه آموزشی مصوب ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۳؛ پنجم، برنامه آموزشی رشته تاریخ مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۷۵؛ و ششم، بازنگری‌های مختلفی که در برنامه‌های آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری تاریخ صورت گرفته است. نویسنده در این مقاله می‌کوشد جایگاه مباحث روش تحقیق و روش‌شناسی تاریخی را در مهم‌ترین برنامه‌های آموزشی دوره کارشناسی رشته تاریخ مورد بررسی قرار دهد.

ارزیابی تحلیلی برنامه آموزشی دوره کارشناسی تاریخ نشانگر آن است که این رشته از زمانی که در کنار جغرافیا قرار داشت تا سال‌های متمادی پس از آن و عملاً تا دوره انقلاب فرهنگی، از درس «روش تحقیق در تاریخ» محروم ماند و تنها پس از آن، این درس وارد نظام آموزشی تاریخ ایران شد. حال مسأله این است که چرا روش تحقیق و روش‌شناسی تاریخی با تأخیر فراوان و پس از چند دهه فعالیت آموزشی رشته تاریخ به درون آن راه یافت؟ وضعیت این مباحث در برنامه‌های آموزشی دوره‌های ارشد و دکتری چگونه است؟ نحوه بازتاب این مباحث در برنامه‌های مختلف چگونه بوده و این مباحث و مفاهیم مرتبط با آن از چه رویکردی پیروی کرده است؟ آیا تغییرات انجام‌یافته در حوزه روش‌شناسی رضایت‌بخش و متناسب با نیازها بوده است؟ آیا نگاه به این مباحث در برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ یک نگاه راهبردی و تحول‌آفرین بوده است یا یک نگاه منفعلانه؟ مهم‌ترین ضعف‌ها و کاستی‌های برنامه‌های آموزشی تاریخ در این حوزه چیست و چه باید کرد؟

از آن‌جا که تا کنون این موضوع مورد پردازش قرار نگرفته، نگارنده به سهم خود می‌کوشد با طرح موضوع یاد شده، ذهن صاحبان فکر و برنامه‌ریزان آموزشی را به این مهم جلب کند تا با ایده‌پردازی‌ها و انتقادهای سازنده، راه بسط و گسترش این مباحث در برنامه‌های آموزشی تاریخ هموارتر شود.

منظور از مباحث روش‌شناسی تاریخی، مجموعه مباحثی است که به عنوان معرفت درجه دوم، ناظر بر علم تاریخ هستند و در حقیقت، دانش تاریخ و فرآورده‌های علمی تاریخ‌پژوهان و مورخان، موضوع مورد مطالعه آن است. بدیهی است که این مباحث در جایگاهی فراتر از مباحث متعارف تاریخی قرار می‌گیرند و به‌طور مشخص در قلمروی فلسفه علم تاریخ می‌گنجد و خود به دو حوزه معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تاریخی تقسیم می‌شوند. در این مقاله منظور از مباحث روش تحقیق و روش‌شناسی تاریخی دقیقاً ناظر به همین معناست و شامل همه درس‌ها و مباحثی است که قصد دارند، به مسائل روشی و معرفتی تاریخ بپردازند، شیوه‌ها و روش‌ها و رویکردهای پژوهشی دانشجویان را تقویت کنند، آنان را به کارهای عملی پژوهشی برانگیزند و به افزایش مهارت و توان تحقیقی آنها بینجامند و به نیازهای پژوهشی آنها در حوزه کارورزی پاسخ دهند.

برنامه آموزشی دوره کارشناسی تاریخ از دارالمعلمین مرکزی تا انقلاب فرهنگی

تا سال ۱۳۴۲-۱۳۴۳ دو حوزه دانشی تاریخ و جغرافیا مشترکاً یک رشته واحد موسوم به «تاریخ و جغرافی» را شکل می‌دادند. این رشته که از زمان تأسیس دارالمعلمین مرکزی در ۱۲۹۸ به قلمروی آموزش عالی ایران گام نهاد، در قالب یک دوره سه‌ساله و در چهارچوب نظام سالی واحدی (تعریف هفتگی درس‌ها طی یک سال) طراحی شده بود. در این برنامه درس‌های ارائه‌شده عمدتاً ترکیبی از مباحث تاریخی، جغرافیایی و ادبی بود و هیچ درسی در چهارچوب «روش تحقیق در تاریخ» تعریف نشده بود.

شاید تنها درسی که در اواخر دهه ۱۳۳۰ با رویکرد روش‌شناسی به این برنامه راه یافت، درس «منطق جدید» بود که روش درست اندیشیدن و استدلال کردن را به دانش‌جویان می‌آموخت. اما در سایر درس‌ها شاید تنها درسی که به‌گونه‌ای می‌توانست به روش پژوهش در تاریخ کمک کند، درس «فارسی (انشاء، قرائت و تحقیق در بعضی قسمت‌های منتخب نظم و نثر فارسی)» بود (بنگرید به: صفت‌گل، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶). مسلم است که با این درس‌ها دانشجویان نمی‌توانستند چنان‌که باید با فنون پژوهش در تاریخ آشنا شوند.

تنها درس عملی و کارورزی پژوهشی دانشجویان از بدو تأسیس دانشگاه تهران و دانشسرای عالی، گذراندن حداقل چهار شهادت‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی بود. دانش‌آموختگان رشته «تاریخ و جغرافیا» ناگزیر بودند دو شهادت‌نامه در حوزه تاریخ ایران، یک شهادت‌نامه در تاریخ عمومی و یک شهادت‌نامه در جغرافیای عمومی دریافت دارند (راهنمای دانشگاه تهران ۱۳۱۵-۱۳۱۶، ۱۳۱۵: ۱۳). این وضعیت دست‌کم تا سال ۱۳۳۱ ادامه داشت. بر اساس دفترچه راهنمای دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۱، دریافت شهادت‌نامه‌ها منتفی شد و به جای آن، درس «رساله تحصیلی» گنجانده شد و همه دانشجویان سال سوم باید آن را می‌گذراندند و این شرط فراغت از تحصیل بود (راهنمای دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی، ۱۳۳۱: ۱۸).

این وضعیت عملاً در سال تحصیلی ۱۳۴۲-۱۳۴۳ که دو دانش تاریخ و جغرافیا از یکدیگر متمایز شدند و هر یک هویتی مستقل یافتند، تداوم یافت. در بازنگری‌هایی که متعاقب آن صورت گرفت، بار دیگر درس روش تحقیق در برنامه کارشناسی تاریخ گنجانده نشد. بر اساس این برنامه هر دانشجوی تاریخ موظف بود ۱۴۰ واحد به ترتیب ذیل بگذراند: ۴۰ واحد دروس عمومی دانشکده ادبیات؛ ۶۰ واحد دروس اختصاصی تاریخ؛ ۴۰ واحد از مواد درسی سایر گروه‌های دانشکده ادبیات که در دو گروه درس‌های اختیاری درجه یک و اختیاری درجه دو (به اختیار دانشجویان) تعریف شده بود (راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶، ۱۳۴۵: ۱۰۰-۱۰۱). در ساختار این برنامه درسی‌هایی که به پژوهش‌ورزی و افزایش توان تحقیقی دانشجویان یاری می‌رساندند، درس‌های عمومی و اجباری دانشکده ادبیات بودند، نه درس‌های اختصاصی تاریخ. درس‌های اختیاری درجه یک عمدتاً جهت‌گیری ادبی داشتند که به افزایش توانایی و مهارت دانشجویان در خواندن و فهمیدن متن‌های تاریخی منجر می‌شدند، مانند: دستور زبان فارسی؛ متون نثر فارسی؛ متون نظم فارسی؛ آموزش لغات؛ روش قرائت و املا؛ فلسفه؛ علوم انسانی و اجتماعی؛ قواعد املا و انشاء فارسی؛ متون داستانی (همان: ۹۸) و قرائت

متون تاریخی به فارسی (همان: ۱۰۳). اما به آموزش روش تحقیق در تاریخ نمی‌انجامیدند. در میان واحدهای اختیاری درجه دوم درس‌هایی چون «سکه‌شناسی» و «تحول خطوط» وجود داشتند که می‌توانستند مهارت تخصصی دانشجویان را افزایش دهند (همان: ۱۰۴). با این همه، در این برنامه نیز درس «روش تحقیق در تاریخ» گنجانده نشده بود. اما مادامی که دانشجویان در درس رساله نمره قبولی نمی‌گرفت، نمی‌توانست مدرک کارشناسی خود را دریافت دارد (راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶: ۸۱). هر چند این مسأله بهترین مواجهه با پژوهش‌ورزی و پژوهشگری در رشته تاریخ بود، اما ضعف پژوهشی آشکار این برنامه، پاسخگو نبودن به این پرسش مهم بود که چگونه دانشجویانی که درس روش تحقیق نخوانده بودند می‌بایست رساله ختم تحصیلی بنویسند؟

تردیدی نیست که گره این مشکل باید در پرتو درس‌های عمومی و مشترک گشوده می‌شد. این درس‌ها با رویکرد ادبی خود، هنر درست نوشتن را به دانشجویان می‌آموختند. در درس «آیین نگارش و قواعد املا فارسی» که در دو نیم‌سال تکرار می‌شد، دانشجویان موظف بودند چند کار پژوهشی متناسب با دانش خود انجام دهند. چنان‌که در نیم‌سال اول باید هر دو هفته یک مقاله بر اساس منابعی که استاد معرفی می‌کرد، تهیه کنند و افزون بر آن، رساله کوتاهی درباره موضوعی که قبلاً به تصویب استاد رسانده‌اند، بنگارند و پیش از پایان ترم به استاد مربوطه ارائه دهند (راهنمای دانشکده ادبیات سال تحصیلی ۱۳۴۶-۴۷، ۱۳۴۷: ۷۵-۷۷).

افزون بر این، چند درس دیگر با رویکرد مطالعات نظری و روش‌شناسی تاریخی به این برنامه راه یافت که با اندکی تغییر تا کنون تداوم یافته است، مانند: «مورخان دوره اسلامی» و «بررسی اسناد و مدارک تاریخی». در ذیل درس اخیر، بر مباحث مهم زیر تأکید شده بود: «توضیح سنگ‌نبشته‌های ایران؛ آثار تحریری بر آجر؛ مهرها و استوانه‌های گلی و سنگی؛ لوحه‌های فلزی طلا و نقره و آثار تحریری بر آنها؛ خطوطی که بر آثار حفاری شده دیده شده است؛ اوستا زند و پازند؛ کتب پهلوی نظیر شهرستان‌های ایران، دینکرد و سایر رسالات و کتب دینی قدیم؛ سکه‌ها در دوران اسلامی؛ کتب تاریخی و جغرافیایی و کتب فتوح و مغازی و خراج؛ دواوین شعرا و استفاده تاریخ از آنها؛ اسناد و قوانین و احکام دیوانی و طرز استفاده و تجزیه و تحلیل آنها؛ آرشیوها؛ کتیبه‌های مقابر متبرکه و درها و صندوق‌های آنها از نظر مطالب تاریخی؛ سنگ‌های قبور؛ سکه‌های اسلامی» (صفت‌گل، ۱۳۸۷: ۲۳۸-۲۳۷).

در درس فلسفه علوم، دانشجویان با مباحث مهم روش‌شناسی و معرفت‌شناسی علوم انسانی، از جمله: تقسیم‌بندی علوم، نظریه‌های مهم علمی، علم و معرفت علمی، ادراک، واقعیت، اصل علیت، اصل عدم تناقض، انواع ارزش‌های علمی، روش در علوم طبیعی و انسانی، تاریخ و ویژگی‌های علمی آن، تاریخ‌نویسی و وقایع‌نگاری، نقد تاریخی، نقد منابع و پیوند تاریخ با دانش‌های دیگر، مورخان اسلامی، فایده و اهمیت تاریخ، فلسفه تاریخ و انبوهی مسائل دیگر آشنا می‌شدند، زیرا این درس در ده واحد تعریف شده بود (راهنمای دانشکده ادبیات سال تحصیلی ۱۳۴۶-۴۷، ۱۳۴۷: ۷۸-۷۶).

هر چند درس «روش تحقیق» در هیچ یک از برنامه‌های درسی رشته تاریخ پیش از انقلاب وجود نداشت، اما رفته‌رفته مباحث روش‌شناسی به آن افزوده شد و گنجاندن رساله ختم تحصیلی، گام بلندی در این مسیر بود.

حال پرسش این است که چرا نسبت به گنجاندن درس روش تحقیق تعلل می‌شد؟ به این پرسش نمی‌توان پاسخ روشن و قطعی داد، اما به نظر می‌رسد عوامل زیر در بروز آن دخالت داشته‌اند: نخست، نوع نگاه و تلقی برنامه‌ریزان و طراحان نظام آموزشی تاریخ و جغرافیا سهمی آشکارا در این وضعیت داشت. استادانی چون عباس اقبال، غلامرضا رشید یاسمی، عبدالحسین شیبانی، سعید نفیسی، نصرالله فلسفی و ... به‌رغم آشنایی با روش‌های علمی تاریخ‌پژوهی غربی عمیقاً در متن سنت‌های پژوهشی ایرانی ریشه داشتند و در نتیجه، بر سنت‌های ایرانی تاریخ‌نگاری تأکید می‌کردند و همین امر باعث می‌شد سنت‌های ایرانی-اسلامی شهادت‌نامه‌ای همچنان در این رشته تداوم یابد (همان: ۲۴). افزون بر این در سنت‌های ایرانی، آموزش تاریخ جایگاه مدرسی نداشت و نگارش تاریخ نسل اندر نسل به صورت تجربی در نظام دیوانی ایران آموخته می‌شد.

دوم، ارزیابی این برنامه‌ها نشان می‌دهد که رویکرد پژوهشی یا مهارت‌افزایی را تنها در درس‌های عمومی و اختیاری گنجانده بودند که عمدتاً رویکرد ادبی داشتند. چنان‌که از ۱۴۰ واحد، تنها ۶۰ واحد به درس‌های اختصاصی تاریخ مربوط می‌شد. این امر، گویای یک واقعیت دیگر نیز هست و آن این‌که هنوز دانش تاریخ به آن پایه از بلوغ و اعتماد به نفس دست نیافته بود که جسورانه وارد قلمرو مباحث روش‌شناسی و معرفت‌شناسی تاریخی و مطالعات میان‌رشته‌ای شود و دست برنامه‌ریزان و آموزش‌دهندگان تاریخ دانشگاه از این حیث بسیار خالی بود و تا رسیدن به مرحله بلوغ فکری و پختگی «تاریخی» فاصله زیادی در پیش بود.

سوم، نپرداختن به مباحث روش تحقیق یک سنت رایج در نظام دانشگاهی ایران به‌ویژه در دانشکده ادبیات بود و تقریباً همه رشته‌های دانشگاهی به یک نسبت از آن رنج می‌بردند. چهارم، قرار دادن تاریخ در حوزه علوم ادبی و نگاه ارسطویی به تاریخ نیز یکی دیگر از انگیزه‌های بی‌توجهی به مباحث روش‌شناسی تاریخی بود.

پنجم، روند برنامه‌ریزی آموزشی نشان می‌دهد که در سال‌های پیش از انقلاب ورود درس «روش تحقیق» را برای دوره کارشناسی بسیار زود می‌دانسته‌اند. در نتیجه، آموزش این درس تنها به دوره کارشناسی ارشد و دکتری محدود شد و تنها کار عملی که در این حوزه انجام گرفت، تهیه شهادت‌نامه‌ها و سپس رساله‌های ختم تحصیلی بود.

دوره پس از انقلاب فرهنگی تا امروز

در نخستین برنامه آموزشی رشته تاریخ پس از انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۶۳ در چارچوب انقلاب فرهنگی با هدف تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و انطباق آن‌ها با هدف‌های دانشگاه اسلامی، از سوی ستاد انقلاب فرهنگی صورت گرفت، تغییرات مهمی به وقوع پیوست. در این برنامه، تعریف تازه و متفاوتی از تاریخ ارائه شد که خود سرآغاز تغییر نگاه به کارکرد و رسالت دانش تاریخ در نظام آموزشی ایران بود. در نتیجه، این تغییرات هم در جهت‌گیری برنامه و هم در مباحث روش‌شناسی تاریخی صورت گرفت (ستاد انقلاب فرهنگی، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی تاریخ با دو گرایش کارشناسی آزاد و کارشناسی تربیت دبیر، مصوب ۱۸/۱۱/۱۳۶۳: ۴-۳). بر اساس اهداف بلندپروازانه این برنامه،

قرار بود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی تاریخ بتوانند در سطح بین‌المللی پژوهش‌های تاریخی انجام دهند (همان: ۵). اما این‌که آیا این اهداف بلند را می‌شد یا این برنامه و با این درس‌ها و با این امکانات محقق ساخت، پرسش مهمی است که پرداختن به آن نیازمند مجال دیگری است. ناگفته روشن است که روح انقلابی و آرمانی بر اندام این برنامه جاری بود و نمی‌توانست چندان با واقعیت‌ها و ظرفیت‌های درونی این رشته هماهنگ باشد. زیرا نگاه سیاسی و ایدئولوژیک به دانش تاریخ که می‌کوشید آن را در خدمت منافع حکومت قرار دهد، در جای‌جای این برنامه موج می‌زد و آن را به عرصه شعارزدگی می‌کشاند.

به‌رغم جنبه‌های شعاری و ایدئولوژیک این برنامه، برای نخستین بار تغییرات مهمی در برنامه درسی رشته تاریخ روی داد که موجب ورود درس‌های روش‌شناسانه جدید به درون برنامه شد، مانند: فلسفه تاریخ؛ روش تحقیق در تاریخ؛ قرائت متون تاریخی به زبان فارسی؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام؛ آشنایی با خطوط و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام؛ رساله و تحقیق (پایان‌نامه).

این برنامه آموزشی پس از دوازده سال در سال ۱۳۷۵ از سوی شورای عالی برنامه‌ریزی مورد بازنگری قرار گرفت. هر چند بسیاری از رویکردهای پیشین تعدیل شدند، اما همچنان شعارزدگی در مورد توانایی دانش‌آموختگان این رشته به چشم می‌خورد. چنان‌که در قسمت ضرورت و اهمیت این رشته نیز بر تربیت محققان تاریخی متناسب با نیازهای جامعه و همپای تحولات علمی در سطح جهان تأکید شده بود (بنگرید به: شورای عالی برنامه‌ریزی، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی تاریخ در دو گرایش دبیری و آزاد مصوبه سیصد و سی و سومین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۵: ۴-۳). مهم‌ترین دستاوردهای این برنامه در مسیر مباحث روش‌شناسی و روش تحقیق در تاریخ عبارت بودند از: گنجاندن درس‌های کلیات و مبانی علم تاریخ؛ تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان؛ گاه‌شماری و تقویم؛ و همچنین حفظ درس‌های روش‌شناختی برنامه پیشین از قبیل: فلسفه تاریخ؛ روش تحقیق در تاریخ؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام؛ آشنایی با خطوط و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام؛ قرائت متون تاریخی به زبان فارسی.

در پاسخ به این پرسش که چرا چنین تغییرات شگرفی طی دو برنامه پس از انقلاب (۱۳۶۳ و ۱۳۷۵) صورت گرفت، می‌توان دلایل زیر را اقامه کرد: نخست، بلندپروازی‌ها و شعارهای آرمانی انقلاب به‌گونه بارزی در برنامه تدوین‌شده ستاد انقلاب فرهنگی رسوخ یافت و در واقع روح این برنامه را شکل می‌داد. همین رویکرد انقلابی برنامه‌ریزی آموزشی رشته تاریخ را در بستری متفاوت از گذشته قرار داد که یکی از این عرصه‌ها، مباحث روش‌شناسی تاریخی بود.

دوم، روشن بود که تحقق شعارهای بلند مطرح‌شده در برنامه ستاد انقلاب فرهنگی در چهارچوب برنامه‌های پیشین امکان‌پذیر نیست و برای تحقق آن می‌بایست گام‌های بلندتری برداشت. به همین خاطر بخشی از درس‌های روش‌شناسانه دوره کارشناسی ارشد عیناً به برنامه دوره کارشناسی راه یافت، چنان‌که مجموعه درس‌های روشی اضافه‌شده به برنامه کارشناسی تاریخ پس از انقلاب فرهنگی، از برنامه ارشد اخذ شده بود.

سوم، در پی انقلاب و دگرگون شدن ساختارهای سیاسی و اجتماعی، جمعی از نیروهای انقلابی و تندرو به جای نیروهای محافظه‌کار پیشین به میدان آموزشی و برنامه‌ریزی دانشگاهی گام نهادند و سدهای سدید راه علم را در هم شکستند و به نوبه خود راه را هموار ساختند. این ساختارشکنی نقش مؤثری در تحول دانش تاریخ داشت و موجب شکوفایی بیشتر این رشته شد و همچنین با تأکیدی که در این برنامه و اساساً در فضای عمومی و فرهنگی بر رشته تاریخ و رسالت آن می‌شد، جمعی از بهترین استعداد‌های کشور به سوی این رشته روان شدند و با حضور خود، این تغییرات را رقم زدند و در نتیجه، درس روش پژوهش در دوره کارشناسی هم آموزش داده شد.

چهارم، رشد جهانی دانش تاریخ و ورود انواع گوناگون رویکردهای روشی و نظریه‌های معرفت‌شناسانه و ترجمه انبوهی از آثار صاحب‌نظران غربی، خواه‌ناخواه حوزه دانش تاریخ را متحول می‌ساخت. این روندی گریزناپذیر بود که با نگارش انبوهی از کتاب‌های محققانۀ تاریخی و ترجمه آثار روش‌شناسانۀ خارجی بر سرعت این تحول افزوده شد. پنجم، ایجاد و راه‌اندازی مؤسسه‌های پژوهشی دولتی و غیردولتی در سال‌های پس از انقلاب، انتشار مجله‌های علمی- پژوهشی تاریخی، تربیت انبوهی از متخصصان، نشانگر رشد انبوه دانش تاریخ بود که بر دامنه تحركات علمی این رشته افزود و ضرورت تحول در آموزش دانش تاریخ را گریزناپذیر ساخت.

جمع‌بندی و تحلیل محتوا و تحلیل آماری

جدول شماره ۱: درس‌های مرتبط با روش‌شناسی و روش تحقیق در دوره کارشناسی تاریخ

نام رشته	سال‌های اجرا	نظام آموزشی	دوره تحصیل	نهاد بازنگری‌کننده	تعداد واحدها	درس‌های مرتبط با روش تحقیق
تاریخ و جغرافیا	۱۳۳۱ تا ۱۳۹۸	سالی واحدی	سه ساله	وزارت علوم	۵۲	منطق جدید؛ فارسی (انشا قرائت و تحقیق در بعضی قسمت‌های منتخب نظم و نثر فارسی)؛ شهادت‌نامه.
تاریخ	۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲	ترمی واحدی	چهارساله	وزارت علوم	۱۴۰	دستور زبان فارسی؛ متون نثر فارسی؛ متون نظم فارسی؛ آموزش لغات؛ روش قرائت و املا؛ فلسفه علوم انسانی و اجتماعی؛ قواعد املا و انشا فارسی؛ متون داستانی؛ قرائت متون تاریخی به فارسی؛ سکه‌شناسی؛ تحول خطوط، رساله ختم تحصیلی.
تاریخ	۱۳۵۲-۱۳۶۳	ترمی واحدی	چهارساله	وزارت علوم	۱۴۰	مورخان دوره اسلامی؛ بررسی اسناد و مدارک تاریخی؛ دستور زبان فارسی؛ متون نثر فارسی؛ متون نظم فارسی؛ آموزش لغات؛ روش قرائت و املا؛ فلسفه علوم انسانی و اجتماعی؛ قواعد املا و انشا فارسی؛ متون داستانی؛ قرائت متون تاریخی به فارسی؛ سکه‌شناسی؛ تحول خطوط، رساله ختم تحصیلی.
تاریخ	۱۳۶۳ تا ۱۳۷۵	ترمی واحدی	چهارساله	ستاد انقلاب فرهنگی	۱۶۱	روش تحقیق در تاریخ؛ قرائت متون تاریخی به زبان فارسی؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام؛ فلسفه تاریخ؛ آشنایی با خطوط و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام؛ رساله و تحقیق (پایان‌نامه).
تاریخ	۱۳۷۵ تاکنون	ترمی واحدی	چهارساله	شورای برنامه‌ریزی	۱۳۵	کلیات و مبانی علم تاریخ؛ روش تحقیق در تاریخ؛ تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان؛ گاه‌شماری و تقویم؛ فلسفه تاریخ؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام؛ شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام؛ آشنایی با خطوط و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام؛ قرائت متون تاریخی به زبان فارسی.

جدول شماره ۲: واژگان و مفاهیم روش‌شناختی موجود در عنوان درس‌های دوره کارشناسی رشته تاریخ و فراوانی آنها

مجموع	پس از انقلاب	قبل از انقلاب	۱۳۷۵ تاکنون	۱۳۳۳-۱۳۷۵	۱۳۰۲-۱۳۳۳	۱۳۴۲-۱۳۵۲	۱۲۹۸-۱۳۳۱	واژگان و مفاهیم روش‌شناسی موجود در عنوان درس‌ها
۴	-	۴	-	-	-	-	۴	شهادت‌نامه
۱	-	۱	-	-	-	-	۱	منطق جدید
۸	۳	۵	۱	۲	۲	۲	۱	فارسی (قرائت و تحقیق در نظم و نثر فارسی)
۲	-	۲	-	-	۱	۱	-	دستور زبان فارسی
۲	-	۲	-	-	۱	۱	-	آموزش لغات
۴	-	۴	-	-	۲	۲	-	قواعد املا و انشا فارسی
۲	-	۲	-	-	۱	۱	-	فلسفه: علوم انسانی و اجتماعی
۲	-	۲	-	-	۱	۱	-	متون داستانی
۶	۴	۲	۲	۲	۱	۱	-	قرائت متون تاریخی به فارسی
۲	-	۲	-	-	۱	۱	-	سکه‌شناسی
۱	-	۱	-	-	۱	-	-	مورخان دوره اسلامی
۱	-	۱	-	-	۱	-	-	بررسی اسناد و مدارک تاریخی
۲	۲	-	۱	۱	-	-	-	روش تحقیق در تاریخ
۲	۲	-	۱	۱	-	-	-	شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام
۲	۲	-	۱	۱	-	-	-	شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام
۲	۲	-	۱	۱	-	-	-	فلسفه تاریخ
۴	۲	۲	۱	۱	۱	۱	-	تحويل خط و آشنایی با خطوط و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام
۱	۱	-	۱	-	-	-	-	کلیات و مبانی علم تاریخ
۱	۱	-	۱	-	-	-	-	تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان
۱	۱	-	۱	-	-	-	-	گاه‌شماری و تقویم
۳	۱	۲	-	۱	۱	۱	-	رساله
۵	۲	۳	۱۱	۱۰	۱۴	۱۲	۲	جمع
۵	۵	۲						

تحلیل محتوایی

بررسی محتوایی این برنامه‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم و واژگان مرتبط با روش‌شناسی تاریخی در سال‌های قبل از انقلاب با ۳۲ مورد و پس از انقلاب با ۵۵ مورد بسامد، در سال‌های پس از انقلاب رشد چشمگیری داشته است. در این میان، درس‌های «منطق جدید»، «مورخان اسلامی» و «بررسی اسناد و مدارک تاریخی»، هر یک با یک بار تکرار در برنامه‌های پیش از انقلاب از کم‌ترین بسامد برخوردار بوده‌اند و در برنامه‌های پس از انقلاب، مفاهیمی چون «کلیات و مبانی علم تاریخ»، «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان»، «تقویم و گاه‌شماری» و «رساله» هر یک با یک بار تکرار در برنامه‌های دوره کارشناسی از کم‌ترین بسامد برخوردار بوده‌اند.

اما بار پژوهش عملی در برنامه‌های پیش از انقلاب چه در چهارچوب شهادت‌نامه‌ها و چه رساله تحصیلی دوره کارشناسی تاریخ، به مراتب قوی‌تر از دوره پس از انقلاب است.

مفاهیمی چون «سکه‌شناسی و تحول خط»، با یک بار تکرار در پیش از انقلاب، و مفاهیمی چون «روش تحقیق»، «ساخت و نقد منابع تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام»، «فلسفه تاریخ»، «تحول خط و آشنایی با خطوط» هر یک با دو بار تکرار، نفوذ خود را در برنامه‌های آموزشی پس از انقلاب نشان داده‌اند. در این میان، تحول خط و آشنایی با خطوط و زبان‌های باستانی هر یک با دو بار تکرار در قبل و بعد از انقلاب از وزنی یکسان برخوردار بوده‌اند.

مباحث ادبی همچون «فارسی» با پنج بار تکرار در پیش از انقلاب و «دستور زبان فارسی» با دو بار و «آموزش لغات» با دو بار و «قواعد، املا و انشا» با چهار بار، «متون داستانی» با دو بار و «قرائت متون تاریخی» با شش بار در پیش از انقلاب و در مجموع با نوزده بار بسامد، بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است که خود یک نشانه معنادار از پیوند تاریخ با ادبیات و اهتمام برنامه‌ریزان به آموزش قواعد زبان فارسی و درست نوشتن آن است. در حالی که پس از انقلاب، مفاهیم ادبی همچون «فارسی» با سه بار و «قرائت متون تاریخی به زبان فارسی» با چهار بار، در مجموع هفت بار در قیاس با قبل از انقلاب در جایگاه نازل‌تری قرار گرفته است. در حقیقت، درس‌های ادبی پیش از انقلاب جایگاه خود را به درس‌های عمومی مانند متون اسلامی، معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تاریخ انقلاب اسلامی در برنامه‌ها و آموزشی پس از انقلاب دست داده‌اند.

نتیجه:

روند تحولی برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ نشان می‌دهد که این برنامه در یک دوره ۴۴ ساله از بدو راه‌اندازی رشته «تاریخ و جغرافیا» در دارالمعلمین تا جدایی تاریخ از جغرافیا در سال ۱۳۴۲ روندی ثابت و بدون تغییر را پشت سر گذاشته و در این دوران هیچ‌نگاهی به روش‌شناسی و روش تحقیق صورت نگرفته و عملاً در برنامه‌های آموزشی دوره کارشناسی تاریخ راه نیافته است. اما از آن پس هر چند درس‌های عمومی فراوانی با هدف آشنایی با قواعد املا و انشا فارسی و نیز قرائت متن‌ها شکل گرفتند که در مجموع توانایی‌های دانش‌آموختگان را افزایش می‌دادند، اما این نگاه‌ها کم‌تر به آموختن روش تحقیق در تاریخ معطوف بود و عملاً تا انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۳ هیچ درسی با موضوع «روش تحقیق در تاریخ» در برنامه‌های آموزشی دوره کارشناسی این رشته دیده نمی‌شد. شاید تنها درسی که می‌توانست تا حدی خلأهای آموزش روش تحقیق را پر کند، کار عملی تدوین پایان‌نامه بود که البته باید با روش آزمون و خطا و نیز بدون یک راهنمایی و کارورزی عملی در روش تحقیق تدوین و اجرا می‌شد. اما از آن پس، این درس و انبوه دیگری از درس‌های روش‌شناسی، هم در حوزه فلسفه تاریخ و هم مورخان و تاریخ‌نگاران و نیز کلیات و مبانی علم تاریخ و تقویم و گاه‌شماری طراحی شدند.

در دوره دکتری که در سال ۱۳۳۵ راه‌اندازی شد، این مشکل همچنان باقی بود و تنها چند درس مهارت‌افزایی در برنامه وجود داشت، اما در عمل، استادان و دست‌اندرکاران متوجه ضعف‌های برنامه شدند و به‌ویژه دریافتند که دانشجویان نمی‌توانند با این آموزش‌ها یک پایان‌نامه محققانه تدوین کنند. بنابراین کوشیدند برای رفع نقص‌های ناشی از آن، دوره

کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۳۹ دایر کنند. در این دوره تمام برنامه عمده‌تاً صبغه پژوهشی و کارورزی و منبع‌شناختی داشت و افزون بر این، درس «فلسفه تاریخ» نیز آموزش داده می‌شد. این دوره به عنوان حلقه واسط بین درس‌های تئوری کارشناسی و درس‌های نقد و ارزیابی دوره کارشناسی ارشد، مانند یک کاتالیزور عمل می‌کرد که به عنوان یک دوره گذار پژوهشی می‌توانست این پختگی پژوهشی را همراه با کارورزی‌های پژوهشی به مثابه میراثی به دوره دکتری انتقال دهد. اما تحول مهمی که پس از انقلاب صورت گرفت این بود که اولاً آن نگاه تکاملی خطی و کل‌گرایانه به یک نگاه گسستی معرفتی تبدیل شد و دانشجویان دوره کارشناسی هم از این حق برخوردار شدند که روش‌شناسی و روش تحقیق در تاریخ بیاموزند. از همین رو همه درس‌های روش‌شناسانه و روشی دوره کارشناسی ارشد تاریخ پس از انقلاب فرهنگی عیناً به دوره کارشناسی راه یافت و این در جای خود هر چند بلندپروازانه به نظر می‌رسید، اما اقدامی شایسته و بجا بود که نوعی اعتماد به نفس و توانایی پژوهشی را به دانشجویان مستعد انتقال می‌داد و مبنای کارهای مهم در عرصه دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری و تاریخ‌ورزی پس از انقلاب شد.

اکنون پرسش این است که آیا باید در مباحث روش تحقیق و روش‌شناسی تحقیق به همین اندازه قناعت کرد؟ آیا ما به رشد و بلوغ مطلوب دست یافته‌ایم؟ یا باید به سدشکنی بپردازیم و به میدان‌ها و عرصه‌های تازه‌تر گام بگذاریم؟ نگارش روزافزون کتاب‌های روش تحقیق در تاریخ و نیز ترجمه انبوهی از آثار در حوزه فلسفه علم و روش‌شناسی تاریخ، نشانگر اشتیاق فراوان و نیاز روزافزون به این تقاضاهاست که اگر دانشگاه و نظام آموزشی به آن پاسخ مناسبی ندهد، ممکن است از چرخه تولید شتابان دانش عقب بماند و عرصه را به سود نهادها و مؤسسه‌ها و مراکز آموزشی دیگر خالی کند و خود به مصرف‌کننده و دنباله‌رو تبدیل شود. وجود انبوه مکاتب روش‌شناختی و انواع جریان‌های علمی و تنوع روش‌های تحقیق، باعث سردرگمی عجیبی شده است و دانش‌آموختگان و دانش‌جویان تاریخ چون از برنامه‌های تاریخ پاسخ مناسب دریافت نمی‌کنند، به سراغ علوم همسایه مانند جامعه‌شناسی و علوم سیاسی می‌روند تا به دغدغه‌های روش‌شناختی خود پاسخ دهند. شاید هم حق دارند زیرا در گروه‌های تاریخ جز روش‌های ساده‌انگارانه پوزیتیویستی عملاً هیچ تلاش مجدانه‌ای در این باره صورت نمی‌پذیرد و حتی می‌توان ادعا کرد اگر همین کار هم با دقت انجام شود، کار شایسته‌ای صورت پذیرفته است. از آنجا که با مبادی روشی و چهارچوب‌های مفهومی و روش‌شناختی آن علوم آشنا نیستند، دچار شیفتگی روشی و به تعبیر دقیق‌تر آشفتگی روش‌شناختی می‌شوند و هنگامی که با آن دستاوردها به رشته تاریخ و برنامه‌های آن می‌نگرند، به سرخوردگی مبتلا می‌شوند. این دانشجویان کنجکاو چون نمی‌توانند نسبتی دقیق و رابطه‌ای منطقی بین آن مکاتب روش‌شناسی و کثرت‌های روشی با آموخته‌های خود برقرار سازند، معمولاً استعدادشان به هدر می‌رود و قادر نیستند کاری شایسته انجام دهند.

اگر بتوانیم در دوره کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد بر تعداد واحدهای روش‌شناسانه بیفزاییم و دانش‌جویان را با مکاتب علم‌شناسی و روش‌شناسی و مهم‌ترین روش‌های پژوهش تاریخی آشنا کنیم، به بسیاری از مطالبه‌ها پاسخ گفته‌ایم و تحولی متناسب با اقتضای زمان ایجاد

کرده‌ایم. متأسفانه درجا زدن روش‌شناختی موجب دلزدگی این دانشجویان و احساس حقارت آنها در قیاس با همگنانشان در علوم اجتماعی و سیاسی می‌شود. البته می‌دانیم که این بازنگری تنها با ورود چند درس روش‌شناسی یا افزودن بر تعداد واحدهای آموزشی اصلاح نخواهد شد، بلکه باید متناسب با آن، تغییرات مهم در سرفصل درس‌ها صورت پذیرد و مطالعات میان‌رشته‌ای فراوانی برای بررسی و مطالعه تاریخ از زاویه‌های دیگر صورت بگیرد. به عقیده نگارنده، با توجه به دیجیتالی‌شدن و الکترونیکی‌شدن داده‌ها نمی‌توان در روش‌های داده‌پردازی سنتی محصور ماند و باید با تدبیرهای مناسب بر توانایی‌ها و مهارت‌های کارورزانه دانش‌آموختگان تاریخ افزود.

منابع:

- راهنمای دانشکده ادبیات سال تحصیلی ۱۳۴۶-۴۷ (۱۳۴۷). تهران: دانشگاه تهران.
- راهنمای دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی (۱۳۳۱). تهران: دانشگاه تهران.
- راهنمای دانشگاه تهران ۱۳۱۵-۱۳۱۴ (۱۳۱۵). تهران: مطبوعه روشنایی.
- راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵ (۱۳۴۴). تهران: دانشگاه تهران.
- راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶ (۱۳۴۵). تهران: دانشگاه تهران.
- ستاد انقلاب فرهنگی، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی تاریخ با دو گرایش کارشناسی آزاد و کارشناسی تربیت دبیر. تهران، مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۱۸.
- شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری تاریخ، گروه علوم انسانی کمیته تخصصی تاریخ مصوب دویست و نهمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی (۱۳۶۹).
- شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد تاریخ، کمیته برنامه‌ریزی تاریخ علوم انسانی مصوب دویست و چهل و هشتمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۱۳۷۱.
- شورای عالی برنامه‌ریزی، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی تاریخ در دو گرایش دبیری و آزاد مصوبه سیصد و سی و سومین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی (۱۳۷۵).
- صفت گل، منصور (۱۳۸۷). گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.